سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۱۴۱–۱۰۷

بررسی تجربیات کشورهای مختلف در مقاوم‌سازی اقتصاد، دلالت‌هایی برای دستیابی به الگوی عملیاتی اقتصاد مقاومتی در ایران

محمد سلیمانی
استادیار دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
Solimani@isu.ac.ir

وحید نکویی
کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
nekouei.vahid@gmail.com

بررسی تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این کشورها هریک به‌مقتضای شرایط، اقدامات و سیاست‌هایی را در پیش گرفته‌اند که می‌توان از آن‌ها به مقاوم‌سازی نظام اقتصادی تعبیر کرد. در این مقاله با استفاده از روش مطالعات اسنادی- کتابخانه‌ای، با روشی توصیفی- تحلیلی تجربه‌ها و اقدامات کشورهای مختلف واکاوی شده و درنهایت برای الگوسازی بهتر برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در ایران ایده‌هایی طرح شده است. اقتصاد مقاومتی صرفاً یک برنامه کوتاه‌مدت و استراتژی مقابل تحریم نیست، بلکه یک فرآیند و راهبرد کلان است؛ لذا می‌بایست در یک چارچوب نظام‌مند برای تدوین این راهبرد تلاش کرد؛ استفاده از تجربیات کشورهای موفق در حوزه مقاوم‌سازی اقتصاد می‌تواند در شکل‌گیری این راهبرد مؤثر باشد. این مطالعه نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها برای رسیدن به اهداف خود، اقدامات و سیاست‌هایی را پیاده کرده‌اند که در راستای مقاوم‌سازی اقتصاد و مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی بوده است؛ بومی‌سازی این تجربیات می‌تواند زمینه‌ساز تحقق برخی از عوامل افزایش مقاومت و انعطاف‌پذیری اقتصاد از جمله رفع وابستگی بودجه دولت و نیازهای ارزی کشور به درآمدهای نفتی، تخفیف مشکل بیکاری، افزایش نقش مردم در اقتصاد، مدیریت بهینه انرژی و ایجاد چارچوب بهینه برای تعامل با سایر کشورها باشد.

واژگان کلیدی: الگوی اقتصاد مقاومتی، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، تجربیات جهانی، مقاوم‌سازی نظام اقتصادی
طبقه‌بندی JEL: E20,O11,D60
واژگان کلیدی: ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری، ثبات بانکی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

۱. مقدمه

مقاوم‌سازی اقتصاد در مقابل شوک‌ها، چالش‌ها، موانع و تهدیدها از جمله اقداماتی است که طبیعتاً کشورها با هر چارچوب مدیریتی و دیدگاه فلسفی- اجتماعی به دنبال آن هستند. به بیان دیگر مقاوم‌سازی اقتصاد علاوه بر اینکه مبنای روایی و نقلی دارد، پدیده‌ای عقلانی است که همواره در کشورهای جهان با ادبیات مختلفی مطرح بوده است (پیغامی، ۱۳۹۳). برای اینکه بتوان اقدامات و سیاست‌های کشورهای مختلف در راستای اقتصاد مقاومتی را بررسی کرد، ابتدا باید به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی پرداخت. بخش زیادی از کتب و مقالاتی که پیرامون اقتصاد مقاومتی به نگارش درآمده است مطالب را به‌گونه‌ای شرح می‌دهد که اقتصاد مقاومتی راهبردی است که فقط هنگام فشار و یا تهدید دشمن چاره‌ساز است و بعضی افراد اقتصاد مقاومتی را صرفاً به یک استراتژی تحریم تقلیل می‌دهند. برای رسیدن به ماهیت اصلی اقتصاد مقاومتی ابتدا لازم هست تعریف‌های صورت گرفته را شرح دهیم تا بتوانیم جمع‌بندی دقیقی از ماهیت اقتصاد مقاومتی داشته باشیم.

فرهنگ آکسفورد (۲۰۱۱) تاب‌آوری یا مقاومت را این‌گونه تعریف کرده است؛ تاب‌آوری، توانایی یک ماده یا شیء به برگشتن به شکل قبلی یا همان مفهوم کشش است. در تعریف جانستون، اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد فعال و پویا است نه یک اقتصاد منفعل و بسته. اقتصاد مقاومتی برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر مهم حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود (جانستون، ۲۰۰۵).

بریگوگلیو اقتصاد مقاومتی را توان از عهده برآمدن معنی کرده است؛ یعنی در تعریف بریگوگلیو اقتصادی را مقاوم گویند که بتواند از شوک‌های وارد شده به آن خارج شود[1]. دوال اقتصاد مقاومتی را نگهداشت سطح محصول در نزدیک ظرفیت پس از شوک‌های وارده تعریف

1. Briguglio,2009, p5

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

می‌کند[۱]. آیجینز اقتصاد مقاومتی را توان یک اقتصاد به کاهش احتمال عمیق‌تر شدن بحران مالی و یا حداقل کردن آثار بحران می‌داند[۲].

از دیدگاه سایم و مارتین اقتصاد مقاومتی به فرآیند بازیابی و بهبود اقتصادی مرتبط است؛ ولی به صورت کلی بر جنبه فرآیند خسارت وارده بر اقتصاد بعد از شوک‌های وارده و قبل از مرحله بازیابی متمرکز می‌شوند[۳].

اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی بیگانه نیست، بلکه می‌توان گفت یک نوع مکمل اقتضایی آن است که به ضرورت زمان فعلی ما باز می‌گردد و در شرایط فعلی تحریم ضرورت آن دو چندان است (پیت و الاین، ۲۰۰۹).

مطالعات خارجی صورت گرفته در مورد مقاومت اقتصادی و تاب‌آوری به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند؛ گروه اول به بررسی کلان مقاومت اقتصادی می‌پردازند و گروه دوم مقاومت اقتصادی را در سطح بازارهای مالی (بازار پول و سرمایه) و نیز سطح شرکت‌ها بررسی می‌کنند. در سطح کلان (گروه اول) عده‌ای از پژوهشگران مانند کلاسن و همکاران[۴]، لان و میلسی- فرتی[۵] و گروتی و همکاران[۶] به مطالعه درباره چیستی مقاومت اقتصادی پرداخته‌اند. تعداد دیگری مانند بریگوگلیو (۲۰۰۵) به اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی پرداخته‌اند. از طفی‌دوال و همکاران (۲۰۰۸)، آگیون و هوویت[۷] تأثیر مقاومت اقتصادی بر رشد اقتصادی و نیز عوامل تعیین‌کننده مقاومت اقتصادی را بررسی کردند. بریستو رابطه میان مقاومت و استراتژی‌های منطقه‌ای را مورد سنجش قرار داد[۸]، روسی و همکاران[۱] ساختارهای اقتصادی ملی در مواجه با بحران‌های مالی و

1. Duval,2008, p3
2. Aiginger,2009, p.310
3. Simme & Martin,2010,p.29
4. Claessens et al,2009
5. Lane and Milesi-Ferretti,2010
6. Grooti et al,2011
7. Aghion & Howitt,2009
8. Bristow,2010,p.155

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

اقتصادی را بررسی کرده‌اند. در سطح خرد (گروه دوم) آنچه که مطالعات در مورد مقاومت یا تاب‌آوری اقتصادی در سطح شرکت‌ها و صنایع اقتصادی در برابر تکانه‌های خارجی و داخلی است. لوین، لین و زی[۲] مقاومت شرکت‌ها در کسب سود در زمان بحران بانکی را سنجیده‌اند. لاون و والنسیا[۳] عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اقتصاد را در گرو اعتماد اجتماعی به شرکت‌ها می‌دانند. مطالعات داخلی در زمینه اقتصاد مقاومتی بیشتر درحوزه تبیین ادبیات موضوع مقاومت اقتصادی، ضرورت پرداختن به مسئله و تعیین شاخص‌های اقتصاد مقاوم است. اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که توانایی مقابله با تکانه‌های وارد شده بر اقتصاد را داشته باشد. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف در وضعیت‌های گوناگون و توانایی عبور از بحران را داشته باشد. در اندیشه اقتصاد مقاومتی افزون بر تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ می‌شود و نوسان‌های محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن کمترین تأثیر منفی را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصاد خواهد داشت (سیف و راهی‌دهتی و مرشدی، ۱۳۹۴).

اقتصادی مقاومتی باید بتواند در شرایط دشواری، تهدید و دشمنی به اهداف خودش برسد. اهداف مبنایی نظام اقتصاد مقاومتی درواقع همان مکتب اقتصادی اسلام است و اهداف تفصیلی آن اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی یعنی استقلال اقتصادی، رفاه عمومی و پیشرفت است. از این رو مقاومتی یک نسخه از نظام اقتصادی اسلام است (عبدالملکی، ۱۳۹۴). بنابراین ماهیت اقتصاد مقاومتی باید اقتصادی فعال باشد (معصومی‌نیا، ۱۳۹۱).

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده تاکنون برای مقاوم‌سازی اقتصاد تعاریف زیادی صورت گرفته است به نظر می‌رسد که یکی از قابل اتکاترین تعاریف به شرح زیر است: مقاوم‌سازی اقتصاد به مجموعه سیاست‌ها، قوانین و تدابیری گفته می‌شود که هر کشوری اتخاذ می‌کند که بتواند: اولاً، خطرپذیری (ریسک) اقتصادی خود را در برابر اختلال‌ها و تکانه‌های آسیب‌زننده

1. Rossi et al,2009
2. Levine, Lin and Xie,2016,p99
3. Laeven and Valencia 2012,p.264

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

داخلی و خارجی به حداقل برساند تا در شرایط دشواری و تهدید دشمن به اهداف خودش برسد؛ ثانیاً، به رشد پایداری برسد که نوسان‌های بین‌المللی کمترین تأثیر منفی را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد.

بررسی تجربه کشورهای موفق می‌تواند خطای انتخاب سیاست‌ها و به‌کارگیری آن‌ها از سوی سیاست‌گذاران داخلی را کاهش دهد. آشنایی با تجربه دیگران زمینه‌ای برای جلوگیری از تکرار اشتباه‌های دیگران و به‌کارگیری روش‌های صحیح با توجه به امکانات کشور را فراهم می‌سازد. با استفاده از تجارب کشورهای مختلف می‌توان الگوی عملیاتی و متناسب با اقتصاد ایران را استخراج کرد و به اقتصادی مقاوم دست یافت.

در این مقاله ابتدا مفهوم مقاوم‌سازی اقتصاد تبیین شد و در ادامه مفاهیم نزدیک به اقتصاد مقاومتی در ادبیات جهانی بررسی می‌شود و سپس بر اساس مؤلفه‌های یک اقتصاد مقاوم، تجارب کشورهای مختلف به تفکیک هر مؤلفه تشریح می‌شود؛ برای این کار برای هر مؤلفه علاوه بر تبیینی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به عنوان چکیده نظرات سایر کارشناسان این حوزه ارائه داده‌اند؛ تعاریف دیگری از متخصصین اقتصاد مقاومتی بیان شده است. بر این اساس تجربه کشورهای مختلف جهان در مورد هر یک از مؤلفه اقتصاد مقاومتی تجزیه و تحلیل شده؛ با این هدف که از اقدامات کشورهای مختلف دستاوردهای مشخصی برای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی در ایران استخراج شود؛ جمع‌بندی مقاله بیانگر این دست آوردها است.

۲. مفاهیم نزدیک به اقتصاد مقاومتی در ادبیات جهانی

با مطالعه ادبیات جهانی به این نتیجه می‌رسیم که نهادهای بین‌المللی مهمی نظیر مجمع جهانی اقتصاد[1]، بانک جهانی[2] و مجمع جهانی داووس راجع به موضوع اقتصاد مقاومتی اظهارنظر

1. Special Report: Building National Resilience to Global Risks 2013, world Economic Forum
2. The World Bank, World Development Report 2014. Risk and Opportunity: anaging Risk for Development

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

کرده‌اند؛ گزارش‌های بین‌المللی نظیر گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۳-۲۰۱۴ تمرکز خود را بر این موضوع قرار داده‌اند. به عنوان نمونه در گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۵۰ مخاطره جهانی، بر اساس دیدگاه ۱۰۰۰ متخصص از بخش‌های صنعت، دولت و دانشگاه تجزیه و تحلیل شده است (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

با بررسی ادبیات رایج جهانی، هشت مفهوم قرابت زیادی با مفهوم اقتصاد مقاومتی دارند که در ادامه به بررسی مختصری از هریک می‌پردازیم:

۲-۱. تاب‌آوری اقتصادی[۱]

یکی از مؤلفه‌های اقتصادهای نزدیک به اقتصاد مقاومتی در شرایط بحران، اقتصادی است که تاب‌آوری داشته باشد. مفهوم تاب‌آوری از ریشه لاتین Resilier[۲] به معنای توانایی مجدد برخاستن اخذ شده است (شعبانی و نخلی، ۱۳۹۳).

تاب‌آوری اقتصادی در بیان بریگوگلیو تا حدی به میزان استقامت اقتصاد در برابر آثار منفی شوک‌های خارجی اشاره دارد که در این بیان ممکن است به عنوان عامل مقابل آسیب‌پذیری اقتصادی به کار رود[۳].

در خصوص مفهوم تاب‌آوری تعاریف مختلفی ارائه شده است. عموماً این تعاریف حول مفهوم تاب‌آوری در ارتباط با اجتماع هستند؛ به این معنا که به چگونگی واکنش یک اجتماع در برابر برخی از اتفاقات ناگوار می‌پردازند (شعبانی و نخلی، ۱۳۹۳).

بسیاری از تعاریف هستی‌شناختی تاب‌آوری با عبارت توانایی شروع می‌شود (برای مثال توانایی اجتماع‌ها در تحمل شوک‌های خارجی وارده بر زیرساخت‌های اجتماعی (Adger,2000) یا توانایی اعضای اجتماع برای انجام اقدامی اندیشمندانه و جمعی برای علاج آثار یک مشکل)[۴].

1. Economic Resilience

۲. واژه Resilier به معنای توانایی برخاستن مجدد است.

3. Briguglio,2013

4. Gunderson & folk ,2005

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

مرکز توسعه جهانی[1]، در گزارشی با عنوان (تاب‌آوری بازارهای نوظهور نسبت به شوک‌های خارجی: در مقابل بحران مالی اخیر) [2]، با طراحی و اندازه‌گیری شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی برای ۲۱ اقتصاد نوظهور، این نتیجه حاصل شده است که کشورهای کره و فلیپین، دارای تاب‌آورترین اقتصاد نسبت به بحران‌های مالی هستند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

۲-۲. آسیب‌پذیری اقتصادی[3]

واژه آسیب‌پذیری برگرفته از واژه لاتین Vulnerare (به معنای مجروح کردن) است که در معرض آسیب قرار گرفتن و تزلزل و ناپایداری معنی می‌دهد[4]. بر اساس مطالعات گیلامونت، آسیب‌پذیری اقتصادی به معنی ضربه دیدن (اثرپذیری منفی) از اتفاقات پیش‌بینی‌ناپذیر به خصوص اتفاقات اقتصادی است[5].

در مورد آسیب‌پذیری اقتصادی معمولاً به دو عامل اشاره می‌شود: عواملی که ویژگی ذاتی اقتصادی یک کشور مانند بازارهای کوچک داخلی محسوب می‌شوند و عواملی مانند تورم و کسری بودجه[6] که منتج از سیاست‌های دولت این کشورها هستند؛ با این حال برخی محققان این حوزه، آسیب‌پذیری یک کشور را ناشی از ویژگی‌های ذاتی اقتصاد کشور مانند درجه اقتصادی بالا[7] معرفی می‌کنند.

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه[8]، در گزارش اخیر خود در سال ۲۰۱۵[1]، ضرورت مقاوم‌سازی اقتصاد و ارزیابی آسیب‌پذیری‌های بالقوه را گوشزد می‌کند. برای این منظور، ۷۰

1. Center for Global Development
2. http://www.cgdev.org/publication/emerging-market-resilience-external-shockstoday-versus-pre -global-crisis
3. Economic Vulnerability
4. merriam webster dictionary
5. Guillaumont,1991
6. Briguglio et al ,2009
7. Cordina,2008
8. OECD

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

شاخص تاب‌آوری اقتصادی در بخش‌های مالی، غیرمالی، بازار دارایی و بخش خارجی برای بازه زمانی ۲۵ ساله منتهی به ۲۰۱۵ مورد رصد و پایش قرار داده است[۲].

صندوق بین‌المللی پول نیز سالیانه گزارشی با این موضوع و با گستره شمول جهانی منتشر می‌کند و پایداری نظام مالی جهانی را ارزیابی می‌کند[۳].

۲-۳. ضدشکنندگی اقتصادی[٤]

اقتصاد ضدشکننده به اقتصادی گفته می‌شود که در آن منابع و ظرفیت‌ها طوری تنظیم می‌شوند که احتمال ضربه به آن‌ها به حداقل برسد به‌گونه‌ای که بتوان عواید مثبتی را نیز به دست آورد[۵].

۲-٤. استحکام و پیوستگی متقابل[٦]

مفهوم استحکام و پیوستگی به دنبال ریشه‌دار کردن فعالیت‌های اقتصادی با ایجاد پایه‌های محکم، مشارکت، تعاون و اقدام متقابل است که در برابر شاخص فردگرایی رقابتی در پارادایم سرمایه‌داری جریان غالب اقتصادی است (پیغامی و همکاران، ۱۳۹۴).

۲-۵. مقاوم بودن مدل‌ها و نهادها[۷]

مقاوم بودن مدل اقتصادی به معنای توانایی مدل در معتبر باقی ماندن با در نظر گرفتن فروض مختلف است (پیغامی و همکاران، ۱۳۹۴).

1. Röhn, O. et al. (2015), "Economic Resilience: A new set of Vulnerability Indicators for OECD Countries", OECD Economics Department Working Papers, No. 1249, OECD Publishing, Paris.
2. OECD Vulnerability Indicators
3. Global Financial Stability Report, Navigating Monetary Policy Challenges and Managing Risks, april 2015, International Monetary Fund
4. Economic Anti-fragility
5. Nicolas,2012
6. Economic Solidarity
7. Robustness

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

۲-٦. اقتصاد پایدار و متداوم[1]

اقتصاد پایدار اصطلاحی است که برای یافتن استراتژی‌های مختلف به منظور استفاده از ظرفیت موجود در بهترین مزیتشان به کار می‌رود. این مفهوم مستلزم یافتن راهی است که منابع هم کارا و هم مسئولانه استفاده شوند و هم عایدی بلندمدت داشته باشند. پایداری به معنی تغییر نکردن نیست یا به معنای مدینه فاضله‌ای که هیچ چیز بدی در آن رخ ندهد. یک جامعه پایدار در پی بقا و بهبود مشخصه‌های اقتصادی، محیطی و اجتماعی یک ناحیه است تا اعضای آن بتوانند سالم، بهره‌ور و با لذت به حیات خود ادامه دهند (محمدعلی‌پور، بیتا).

۲-۷. ثبات اقتصاد کلان[2]

اقتصاد باثبات به اقتصادی گفته می‌شود که آسیب‌پذیری خود را در برابر شوک‌های خارجی حداقل کند و بتواند راه را برای رشد اقتصاد باثبات فراهم آورد. ثبات اقتصاد کلان به مقدار زیادی با کاهش نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌ریزی بلندمدت، موجب رشد اقتصادی می‌شود. برای توضیح محیط با ثبات اقتصادی از شاخص‌هایی مانند تورم، نرخ بهره، بدهی دولت، وضعیت تراز پرداخت و نرخ ارز استفاده می‌شود (خلیلی عراقی و رمضان‌پور، ۱۳۸۰).

۲-۸. اقتصاد وضعیت یکنواخت یا وضعیت استادگی[3]

اقتصاد وضعیت یکنواخت بیشتر برای اقتصاد ملی به کار می‌رود، ولی می‌توان آن را برای اقتصاد یک شهر یا یک ناحیه نیز به کار برد؛ بنابراین به حالتی که اقتصاد اندازه نسبتاً ثابتی دارد، اطلاق می‌شود (پیغامی و همکاران، ۱۳۹۴).

1. Economic sustanability
2. Macroeconomics stability
3. Stationary

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

۳. شاخصه‌ها یا مؤلفه‌های یک اقتصاد مقاوم

مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که می‌توان از بیانات مقام معظم رهبری استخراج کرد عبارت‌اند از (پیغامی، ۱۳۹۳).

۳-۱. اقتصاد مردمی و فعال کردن بخش خصوصی

از جمله مسائل کلیدی در اقتصاد مقاومتی نقش مردم است. اقتصاد مقاومتی اقتصادی مردم‌بنیان است؛ یعنی اقتصاد دولتی نیست بلکه اقتصادی است که با اراده سرمایه مردم تحقق پیدا می‌کند. اما دولتی نبودن به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد، بلکه دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی و نظارت را دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی مال مردم است؛ اما دولت به‌عنوان یک مسئول عمومی نظارت و هدایت می‌کند، آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصاد بزنند، جلوی آن‌ها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آن‌ها کمک می‌کند (مقام معظم رهبری، حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۱). در این راستا می‌توان گفت که مردمی شدن اقتصاد یعنی اینکه مردم بازیگر اصلی اقتصاد باشند. یک بعد مهم مردمی کردن اقتصاد در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است (پیغامی، ۱۳۹۳). در ادامه تجربه برخی کشورها در راستای پررنگ کردن نقش مردم در اقتصاد را بررسی می‌کنیم.

۳-۱-۱. آلمان

اگر به سابقه تاریخی کشور آلمان نگاهی بیاندازیم متوجه خواهیم شد که این کشور در گذشته خود متحمل ضربات فلج‌کننده‌ای بوده است که به عنوان نمونه می‌توان از شکست در هر دو جنگ جهانی یاد کرد. سالی که هیتلر روی کار آمد تا زمانی که جنگ جهانی دوم آغاز شد آلمان در حال پیشرفت بود، اما این پیشرفت‌های اقتصادی همه به پای صنایع و اهداف نظامی ریخته شد و از همین رو موجب تقویت شاکله کلی اقتصاد آلمان نمی‌شد (صمدی، ۱۳۸۶). حال سؤال

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

اینجاست این کشور چطور توانست بعد از وضع وخیمی که در آن قرار داشت به قدرت اول اروپا در زمینه اقتصادی تبدیل شود؟

- **پایان اقتصاد دستوری، حرکت به سمت سیاست بازار اجتماعی**

بعد از جنگ به نظر می‌رسید کشور آلمان همان راه اقتصاد دستوری خود را ادامه می‌دهد، اما اتفاقاتی که در سال‌های قبل صورت گرفته بود و شامل سهمیه‌بندی و نبود کالای مصرفی نیز می‌شد، باعث شد اقتصاد دستوری به صورت نوعی مترسک جلوه کند (نیکو اقبال، ۱۳۶۹). از این رو دولت آلمان سیاست میانه‌ای را در نظر گرفت و به سمت نظام بازار اجتماعی حرکت کرد این نظام اقتصادی به معنای کنار گذاشتن رهبری دولت از تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری و شرکت‌ها بود. اینکه چه میزان محصول تولید شود و هر فرد چه مقدار از آن را دریافت کند تصمیماتی است که در بازار اتخاذ می‌شود. برخلاف زمان دوران جنگ که در کشور آلمان کنترل‌های شدید قیمتی و نظام جیره‌بندی بود، دیگر دولت در پرداخت حقوق و ترتیبات قیمتی دخالت مستقیمی نمی‌کرد (رحمانی، ۱۳۷۸). به عبارت دیگر، در آلمان نظام اقتصاد بازار حاکم شد و تنها برای قسمتی از کالاها و موارد اساسی نظیر ذغال، نفت، فولاد، آهن، نرخ بهره و اموال اجاره‌ای تا اواسط دهه ۵۰ سیستم نرخ‌گذاری دولتی برقرار بود؛ اما برای بیشتر کالاهای دیگر سیستم نرخ‌گذاری لغو شد و تعیین قیمت آن‌ها به بازار واگذار شد (صمدی، ۱۳۶۸).

- **حرکت به سمت رقابت با قوانین ضدکارتلی**

آلمان برای اینکه اقتصاد بازار به بهینه‌ترین شکل ممکن کارایی داشته باشد به سمت افزایش رقابت در بازار حرکت کرد. رقابت باعث گسترش نوآوری در محصول و روند تولید می‌شود که درنتیجه به عقلانی شدن مصرف منابع نیز کمک می‌کند. رقابت علنی برای شرکت‌کنندگان در بازار دشوار است. کارخانه‌داران که همواره در تلاش بودند که فشارهای رقابتی را کم کنند، باید مطابق قانون کارتل (قانون مبارزه با محدودیت‌های رقابتی) مصوب ۱۹۵۷ اقدام می‌کردند. این قانون بارها به منظور تضمین کارایی در برابر استراتژی‌های تغییریافته کارتل‌ها، تکمیل شده است. اداره کارتل

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

فدارال در برلین و نیز ادارات کارتل ایالات بر رعایت این قانون نظارت داشته‌اند (رحمانی، ۱۰۳:۱۳۷۸-۱۰۴). نظم رقابتی و مبارزه با انحصارگری رسماً در سال ۱۹۴۷ از طرف متفقین و به موجب فرامین نظامی در آلمان غربی برقرار شد و به موجب این دستورات کلیه اقدامات محدودکننده رقابت می‌بایست محدود می‌شد. این مقررات ۱۰ سال بعد، یعنی در سال ۱۹۵۷، به وسیله قانون ممنوعیت محدود کردن رقابت تأیید شد و گسترش یافت و انضمام و الحاق بنگاه‌ها به یکدیگر در صورت لزوم، منوط به اجازه رسمی کارتل‌ها بود (صمدی، ۱۳۶۸).

بنابراین مهم‌ترین اقدامات کشور آلمان برای اقتصاد مردمی عبارت‌اند از:

۱. اجرای سیاست میانه‌ای برای دولت و کنار گذاشتن دخالت در سیستم قیمت‌گذاری؛

۲. حرکت به سمت بازار اجتماعی رقابتی و مبارزه با انحصارگری؛

۳. کنار گذاشتن رهبری دولت در سرمایه‌گذاری و قدرت دادن به اقتصاد بازاری.

۳-۱-۲. ژاپن

بررسی تجارب کشور ژاپن، که یکی از پیش‌قراولان توسعه اقتصادی است، نیز حاکی از وجود نمونه‌های ملموسی از افزایش نقش مردم در اقتصاد است:

- **اصلاحات ارضی**

بعد از جنگ جهانی دوم کشور ژاپن شکست خورد و معمولاً اداره آن به دست اشغالگران آمریکایی به صورت غیرمستقیم انجام می‌شد. در سال ۱۹۴۶ در ژاپن قانونی به نام «ایجاد مالکین کشاورز» تصویب شد که طبق این قانون اجاره‌کنندگان زمین از دولت به مستاجرین با قیمت پایه سال ۱۹۴۵، که بسیار پایین‌تر از تورم فزاینده‌ای که در سال‌های پس از جنگ وجود داشت، فروخته شد. این قانون علاوه بر فراهم کردن اشتغال و بهبود توزیع درآمدی باعث قدرتمندتر شدن بخش مردمی آن کشور نیز بود (مخبر، ۱۳۹۴).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

- **انحلال کارتل‌ها و سایر اتحادیه‌های کنترل‌کننده**

از بین بردن انحصارات و ایجاد فضای رقابتی علاوه بر کاستن از تمرکز قدرت اقتصادی، حمایت از شرکت‌های جدید به بازار را نیز فراهم می‌کند که این اقدام باعث گسترش رقابت و بالا رفتن کارایی در کل اقتصاد شد (مخبر، ۱۳۹۴).

- **سرمایه‌گذاری روی منابع انسانی**

یکی دیگر از اقدامات بسیار مؤثر برای مردمی کردن اقتصاد، توجه به ترتیبات نهادی مرتبط با سرمایه انسانی و فرهنگ کار و کارپرستی برای آحاد مردم است. سرمایه‌گذاری عظیم در سرمایه انسانی هم علت و هم معلول توسعه اقتصادی این کشور بوده است. درواقع سیاست‌های ناظر بر منابع انسانی نقش مهمی در افزایش تقاضا برای نیروی کار شد و همچنین موجب شد قسمت بیشتری از مردم درگیر اقتصاد کشور ژاپن شوند.

- **سیاست حمایت از مشاغل کوچک**

به موازات سیاست‌گذاری‌های صنعتی با هدف ایجاد اشتغال و سهیم شدن اقشار ضعیف در اقتصاد اجتماعی (مردمی) در کشور ژاپن برای مشاغل کوچک سیاست‌های حمایتی متعددی از طرف دولت طراحی شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۴).

۳-۲. حمایت از تولید ملی

حمایت از تولید ملی یکی از مقوله‌های اصلی مقاوم‌سازی اقتصاد است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «برای حل مشکل اقتصادی کشور باید روی تولید متمرکز شد. همه مسئولیت دارند؛ البته بعضی مسئولیت‌ها سنگین‌تر و بعضی سبک‌تر است. کلید حل مشکلات اقتصادی در بیرون از کشور نیست، بلکه راه‌حل مسائل در داخل کشور است. همه تلاش کنند، ان‌شاءالله حل خواهد شد» (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار جمعی از کارکنان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۰۲/۰۹)

از بیانات مقام معظم رهبری می‌توان چند راهبرد برای حمایت از تولید ملی استخراج کرد:

- یادآوری ارزش کار کردن در دین مبین اسلام؛
- تمرکز بر واحدهای کوچک اقتصادی؛

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

- بهبود فضای کسب‌وکار؛
- راه‌اندازی صنایع کاربر به عنوان راهکاری برای پیشرفت دادن به نیروی انسانی غیرمتخصص.

برزیل، کره جنوبی و مالزی از جمله کشورهایی هستند که راهبرد مشخصی برای تقویت تولید ملی اتخاذ کرده‌اند:

۳-۲-۱. برزیل

کشور برزیل با جمعیتی نزدیک به ۱۹۰ میلیون نفر بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور آمریکای لاتین است. اجرای سیاست‌های مختلف توسعه‌ای باعث شد که این کشور از یک اقتصاد تک‌محصولی و وابسته به صادرات قهوه و کائوچو در سال ۱۹۳۰ به ششمین اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۱ تبدیل شود.

- **سیاست جایگزینی واردات و حمایت از تولیدات داخلی**

جایگزینی واردات در این کشور در دو مرحله انجام شد: مرحله اول (از سال ۱۹۳۰ تا سال ۱۹۵۵) که در این دوره عمدتاً از کالاهای مصرفی اساسی تولیدشده در برزیل حمایت می‌شد؛ مانند صنایع غذایی، صنایع نساجی، غذایی و ...؛ مرحله دوم (از سال ۱۹۵۵ تا سال ۱۹۶۸) که توجه و حمایت بیشتر روی صنایع خودروسازی، صنایع داروسازی و صنایع فولاد بود (مخبر، ۱۳۹۴).

- **اصلاح نظام ارزی برای توسعه صادرات و افزایش تولید داخلی**

در سال ۱۹۶۸ نظام نرخ ارز میخکوب خزنده به عنوان نظام نرخ ارز مناسب در برابر شوک‌های موقتی انتخاب شد[1]. در نتیجه چنین سیاست‌هایی صادرات کشور برزیل به طور چشمگیری افزایش یافت به‌گونه‌ای که سهم صادرات کارخانه‌ای از کل صادرات این کشور از رقم ۲ درصد در سال

1. Holanda Barbosa.1998: 12

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

۱۹۶۰ به رقم ۲۷ درصد در سال ۱۹۷۵ رسید و درنهایت این مقدار توانست در سال ۱۹۸۷ به ۴۵ درصد صادرات کل کشور برزیل بیانجامد.

- **حفظ وضعیت رقابتی و برخورد با انحصار و رانت**

چون کشور برزیل یک کشور برخوردار از منابع طبیعی است، تلاش بنگاه‌های مختلف برای استفاده از رانت‌های منابع طبیعی و همچنین تلاش برای خارج شدن از وضعیت رقابتی و استفاده از یارانه‌ها و رانت‌جویی باعث می‌شد که سیاست‌های جایگزینی واردات با شکست مواجه شود؛ در صورتی که مقابله با فضای رانت‌جویی و حفظ وضعیت رقابتی می‌تواند در جهت افزایش صادرات و حمایت از بازار مناسب برای تولیدات داخلی باشد.

- **جذب سرمایه‌گذاری‌های وسیع در کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای**

طی دهه ۱۹۶۸ تا سال ۱۹۷۸ که به دلیل جذب سرمایه گذاری‌های وسیع، متوسط رشد اقتصادی برزیل به ۹ درصد رسید پایه اجتماعی و سیاسی چنین سیاستی، اتحاد سه‌گانه‌ای بود که بین سرمایه خارجی، بخش خصوصی داخلی و بخش دولتی شکل گرفته بود (مخبر، ۱۳۹۴). سیاست جذب سرمایه خارجی و همچنین اجرای سیاست‌های دیگری که به جذب سرمایه‌گذاران خارجی کمک می‌کرد باعث شد که کشور برزیل در سال ۲۰۰۰ به گونه چشمگیری بهبود یابد و مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد افزایش یابد[1].

۳-۲-۲. کره جنوبی

کشور کره جنوبی از سال ۱۹۵۵ شروع به توسعه کرد و توانست در کمتر از سی سال خود را از فقر شدید به سطح زندگی نسبتاً بالایی برساند (ولی بیگی، ۱۳۸۸). اقدامات، سیاست‌ها و برنامه‌هایی که کشور کره جنوبی در راستای مؤلفه حمایت از تولید داخلی توجه کرده است عبارت‌اند از:

1. Inter-American Development Bank.2004

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

- **راهبرد جایگزینی واردات**

نخستین برنامه توسعه کشور کره جنوبی که توسط هیئت برنامه‌ریزی اقتصادی[1] آن کشور، که در سال ۱۹۶۱ تأسیس شده بود، برنامه‌ای بود که به موجب آن بتوان صنعت خودبسنده‌ای پایه‌گذاری شود (توفیق، ۱۳۹۳). در این برنامه بر توسعه صنایعی از جمله تولید برق، پالایش نفت خام، تولید الیاف مصنوعی و سیمان تأکید شده بود. می‌توان گفت درواقع راهبرد اصلی این برنامه برای توسعه کشور کره راهبرد جایگزینی واردات بود (مخبر، ۱۳۹۴).

- **حرکت به سمت استراتژی توسعه صادرات**

کشور کره در برنامه‌ای پنج‌ساله از سال ۱۹۶۱-۱۹۷۱ بر نوسازی ساختار صنعتی و جایگزینی سریع واردات در صنایع مهمی چون ماشین‌آلات و صنایع شیمیایی تأکید داشت. ژنرال پارک دیکتاتور نظامی کره جنوبی که در سال ۱۹۶۱ کودتا کرده بود به توسعه بخش خصوص و صادرات طرفداری می‌کرد. امتیازاتی که او به شرکت‌های تولیدی برای توسعه صادرات داده بود عبارت‌اند از:[2]

- افزایش نرخ بهره برای تشویق بخش خصوصی به پس‌انداز؛
- کاهش ارزش پول ملی و تعدیل سهمیه‌بندی واردات مواد خام؛
- وام‌های ارزان‌قیمت بانکی؛
- معافیت‌های مالی؛
- تسهیلات برای واردات مورد نیاز؛
- مجوز وام‌های مورد نیاز آنان؛
- تشویق صادرات با یارانه‌های مستقیم (جایزه‌های صادراتی)؛

1. Economic Planning Board

۲. ژنرال پارک و دیگر سران نظامی، به دلیل اینکه در امور سیاسی و اداری تجربه خاصی نداشتند، تا حدود زیادی برنامه‌ریزی‌ها را به دست اقتصاددانان و هیئت برنامه‌ریزی سپرده بودند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

- حذف مالیات‌ها و محدودیت‌های واردات کالاهای واسطه‌ای که قرار بود در تولید کالاهای صادراتی به کار رود. در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ کره در مورد صنایعی که بتوانند در بازار جهانی به رقابت بپردازند برنامه‌ریزی کرد و صنایع استراتژیکی مثل صنایع فناوری‌بر[1] و کار پر مهارت‌بر[2] مانند صنایع الکترونیک تأکید داشت.

۳-۲-۳. مالزی

کشور مالزی یکی از موفق‌ترین کشورهای اسلامی در تحقق رشدهای بالا و حضور در عرصه جهانی است که با بررسی اقدامات این کشور، مهم‌ترین سیاست‌های آن در راستای تقویت تولید ملی عبارت‌اند از:

- **جایگزین کردن واردات**

این برنامه از نیمه دوم ۱۹۶۰ اجرا شد و در راستای کاهش واردات در سال ۱۹۶۶ کمسیون تعرفه تأسیس شد. با ادامه این روند در سال ۱۹۷۱ حدود ۹۰ درصد کالاهای مصرفی و واسطه‌ای در داخل کشور تولید می‌شد (مخبر، ۱۳۹۴).

- **تصویب قانون تشویق سرمایه‌گذاری**

یکی دیگر از اقدامات کشور مالزی که در سال ۱۹۳۸ اتفاق افتاد تصویب قانونی برای تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی بود.

- **توسعه صادرات**

مالزی از ابتدای دهه ۷۰ به سمت سیاست های توسعه صادرات روی می‌آورد. روند صادرات رو به افزایش بود که در سال ۱۹۸۶ برنامه کلان صنعتی (IMP) با تأکید بر استمرار راهبردی شدن بر اساس افزایش صادرات به اجرا در آمد.

1. Technology-intensive
2. Skilled labour-intensive

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

- **حرکت از تولید کالاهای کاربر به سمت کالاهای قابل عرضه به بازار جهانی**

این اقدام علاوه بر تضمین بقا و رشد واحدهای کوچک و متوسط، باعث تقویت جسارت بنگاه‌های کوچک و بزرگ مالزی در بازارهای بین‌المللی شد (عباسقلی، ۱۳۸۵).

۳-۳. مدیریت مصرف

مؤلفه مدیریت مصرف یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است. مدیریت مصرف یعنی مصرف متعادل و پرهیز از تبذیر. دستگاه‌های دولتی، دستگاه‌های غیردولتی و همچنین آحاد مردم باید به این مسئله توجه کنند که این مسئله واقعاً جهاد است؛ امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف بدون شک یک حرکت جهادی است. انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی‌سبیل‌الله را دارد (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳). در ادامه به بررسی اقدامات کشور انگلستان در راستای تقویت مؤلفه مدیریت مصرف می‌پردازیم تا بتوانیم به اقدامات متناسب اقتصاد کشور دست یابیم. دولت انگلیس برنامه‌هایی برای کاهش تقاضای برق در سطح مصرف‌کنندگان خانگی و غیرخانگی خود به اجرا آورده است که هدف اصلی این سیاست‌ها و اقدامات برای مدیریت مقدار مصرف در این کشور بوده است که در زیر به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

- **استفاده از برنامه‌های تشویقی**

در بخش مصرف‌کنندگان خانگی اصلی‌ترین برنامه دولت انگلستان برای کاهش مصرف در قالب برنامه‌های تشویقی ظاهر شده است. این تشویق به وسیله استفاده از داده‌های به‌هنگام مصرف انرژی به همراه مشخص کردن محدودیت‌های قیمت انرژی برای مصرف‌کنندگان داخلی موجب کاهش مصرف شده است. در بخش مصرف‌کنندگان صنعتی انگلستان نیز برنامه‌های تشویقی که از سوی شرکت‌های برق انجام می‌گرفت مهم‌ترین عامل کاهش مصرف برق بوده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

- **استانداردسازی**

در این مورد کشور انگلستان برای مدیریت مصرف به خارج کردن تجهیزات کم‌بازده و استانداردسازی پرداخت. خروج وسایل برقی کم‌بازده در قسمت مصرف‌کنندگان داخلی نقش مؤثری در کاهش مصرف برق این کشور داشته است.

- **استفاده از تکنولوژی و تجهیزات دانش‌بنیان**

فعالیت‌های در حال انجام در زمینه صرفه جویی در مصرف برق که شامل نصب کنتورهای هوشمند و استفاده از تجهیزات با بازده بالا است، باعث ۵/۶ تراوات ساعت انرژی الکتریکی در سال ۲۰۳۰ خواهد شد. پیش‌بینی شده است که تنها ۱۰ درصد کاهش مصرف انرژی الکتریکی در سال ۲۰۳۰ موجب صرفه‌جویی در هزینه‌ها به میزان ۴ میلیارد پوند خواهد شد. علاوه بر کاهش هزینه موجب می‌شود ۴.۵ میلیون تن کربن کمتر انتشار یابد.

۳-٤. مدیریت منابع ارزی

مقام معظم رهبری بر این نکته تأکید داشته‌اند که «برای دستیابی به اقتصادی مقاوم باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرف‌های گوناگونی از دولت صادر شد که واقعاً در راستای مدیریت منابع ارزی باید یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله دنبال شود. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲).

مدیریت منابع ارزی یعنی مدیریت در ورودی، خروجی و مصرف مقدار ارز. تقاضای مردم عامل مؤثری در بازار ارز و مدیریت آن است که باید بدون سوداگری و سفته‌بازی باشد. در ادامه به بررسی اقدامات کشور مالزی در راستای تقویت مؤلفه مدیریت منابع ارزی می‌پردازیم.

علی‌رغم وجود بحران مالی سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ کشور مالزی توانست با اقدامات و سیاست‌هایی مؤثر روند کلی خود را از نظر اقتصادی حفظ کند. علت این امر را می‌توان به طور عمده در سیاست‌های اجراشده در این کشور به‌خصوص تنظیم بازار مالی دنبال کرد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

مقامات این کشور، با وجود فشارهای صندوق بین‌المللی پول مبنی بر آزادسازی بازارهای مالی، با اقدامات زیر توانستند به باز تنظیم بازار مالی بپردازند.

- کاهش نرخ بهره؛
- ایجاد محدودیت بر خروج سرمایه؛
- وضع عوارض بر خروج سرمایه.

سیاست‌گذاران اقتصادی مالزی برای توسعه صادرات این کشور از سیاست‌های ارزی مناسب، از جمله تغییر نظام نرخ ارز از میخکوب به نظام نرخ ارز شناور، استفاده کرده‌اند. نظام نرخ ارز شناور با انعکاس وضعیت جهانی نرخ ارز و عدم ثبات در هنگام کاهش ارزش پول ملی در مقابل پول‌های دیگر، فرصت مناسبی را برای صادرکنندگان ایجاد کرد و موجب افزایش صادرات شد (مخبر، ۱۳۹۴).

۳-۵. کاهش وابستگی به نفت

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی میراث شوم صدساله ما است. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگ‌ترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله کارهایی است که می‌تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳). برای رسیدن به رشد پایدار اقتصادی باید وابستگی به نفت را کاهش داده و دولتی بودن اقتصاد را درمان کنیم، کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و شفافیت مالی را می‌توان عامل اساسی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور تلقی کرد (طیب نیا، ۱۳۹۵).

۳-۵-۱. نروژ

کشور نروژ در اروپای شمالی دارای ذخایر گسترده‌ای از نفت و گاز طبیعی و مواد معدنی هست. صنعت نفت یک چهارم از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد کشور نروژ از ۴۰

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

سال پیش تاکنون یک کشور نفتی محسوب می‌شود که ۲۵ در صد درآمد این کشور از طریق اقتصاد نفت تأمین می‌شود. درآمدهای نفتی دولت نروژ از ۳ طریق حاصل می‌شود:

۱. سهم مالی مستقیم دولت؛
۲. سود سهام شرکت استارت اویل (که این شرکت توانسته بود وارد بازار بورس اوراق بهادار نیویورک شود)؛
۳. تعرفه‌ها (بهره مالکانه، مالیات، حق الارض[1] و مالیات کربن‌دی‌اکسید) (کیان‌پور، ۱۳۸۹).

افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ درآمد زیادی برای اقتصاد نروژ داشت و دولت این کشور با پیش‌بینی روند افزایش قیمت اقدام به برنامه‌های اقتصادی پر هزینه کرد، اما با محقق نشدن شرایط پیش‌بینی‌شده در سال ۱۹۷۷ کشور نروژ بالاترین میزان بدهی در طول تاریخ خود را تجربه کرد. بدهی است که این کشور به ۵۰ درصد تولید ملی رسید (شیرخانی، ۱۳۸۸). این اتفاقات باعث شد که کشور نروژ با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌های مناسبی را برای جلوگیری از نوسانات و مشکلات برنامه‌ریزی کند که مطالعه آن‌ها برای هر کشوری که دارای منابع نفتی باشد توصیه می‌شود.

- **تأسیس صندوق ملی نفت نروژ**

در میانه دهه ۷۰ میلادی افزایش فعالیت‌های نفتی با افزایش مخارج عمومی همراه شد و موجب افزایش شدید سطح هزینه دولت در مقایسه با دیگر شرکای تجاری نروژ شد؛ علاوه بر این، کاهش شدید قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ باعث تسریع در تشکیل نهادی به نام صندوق ملی نفت شد. در سال ۱۹۹۰ میلادی صندوق نفتی تأسیس شد و این‌گونه تصمیم گرفته شد که خالص تمام درآمدهای دولت از بخش نفت به این صندوق منتقل شود (هلدن، ۲۰۱۳).

تأسیس صندوق ملی نفت نروژ (صندوق بازنشستگی کنونی) باعث شد که درآمدهای نفتی به بودجه دولتی وارد نشده و برای نسل‌های آینده نروژ، در کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری شوند.

1. Area fee

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

نتیجه این‌گونه اقدامات از بروز بیماری هلندی یا به طور کلی از نفرین منابع در کشور نروژ جلوگیری می‌کرد. با این کار نه تنها بیماری هلندی در کشور نروژ شکل نگرفت، بلکه سرمایه عظیمی در این صندوق انباشته شده است. به‌گونه‌ای که ارزش وجوه مربوط به صندوق نفتی نروژ در سال ۲۰۰۵ میلادی، حدود ۷۸ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل داده است و در انتهای سال ۲۰۱۰ میلادی ارزش آن برابر ۵۲۵ میلیارد بوده است (شیرخانی، ۱۳۸۸). دولت فقط برای تأمین کسری بودجه غیرنفتی از درآمدهای صندوق استفاده می‌کند. این نکته قابل ملاحظه است که هنگام مازاد بودجه این مازاد به صندوق واریز می‌شود. وجوه صندوق در اسناد مالی خارجی از قبیل اوراق قرضه، اوراق بهادار، سهام شرکت و اسناد بازار مالی سرمایه‌گذاری می‌شود. به این ترتیب علاوه بر درآمدهای حاصل از نفتی، بازده سرمایه حاصل از فعالیت‌های مالی نیز به عنوان درآمد صندوق محسوب می‌شود (کیان‌پور، ۱۳۸۹). کشور نروژ را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از مدیریت درآمدهای نفتی نام برد. تمام این فعالیت به این خاطر بود که آنان به نفت به مثابه ثروت ملی نگاه می‌کردند که باید به همه نسل‌ها انتقال یابد؛ آنان بر این عقیده بودند که دارایی کشور باید به نسل‌های بعدی منتقل شود و هر نسل باید تنها از سود پول استفاده کند (صوفی‌نژاد، ۱۳۸۷).

۳-٦. اقتصاد دانش‌بنیان

یکی از مؤلفه‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی، دانش‌بنیان بودن آن است. بررسی‌های صورت گرفته در مورد مؤلفه اقتصاد دانش‌بنیان نشان می‌دهد که کشورهای مختلف شیوه‌های متفاوتی را در انتقال اقتصاد خود به اقتصاد دانش‌بنیان دنبال کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که برخی از این کشورها سریع‌تر از کشورهای دیگر در حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان گام برداشته‌اند و برخی هم به پیروی از کشورهای پیشرو و با الگوبرداری از تجربه آن‌ها بسترهای اقتصاد دانش‌بنیان را در کشور خود ایجاد کرده‌اند. «یکی از بخش‌های مهمی که می‌تواند اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، شرکت‌های دانش‌بنیان است. اقتصاد دانش‌بنیان یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۵/۰۸).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

بسیاری از صاحب‌نظران اقتصاد دانش‌بنیان را چیزی شبیه به انقلاب صنعتی بیان کرده‌اند (پیغامی، ۱۳۹۳). اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید و توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش‌پایه، مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. اقتصاد دانش‌بنیان یعنی اینکه بتوان از دانش، ارزش خلق کرد. برای دست‌یابی به اقتصاد دانش‌بنیان باید شرایط لازم برای ابداع و نوآوری فراهم شود تا توانایی تبدیل ایده‌ها به محصولات از طریق سرمایه‌گذاری به تولید محصولات جدید منجر شود. با توجه به ساختار اقتصادی کشورمان و همچنین با توجه به مراحل توسعه یک کشور، در این قسمت از تحقیق به بررسی تجارب کشورهای هند و چین در زمینه حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان می‌پردازیم.

۳-٦-۱. هند

در دو دهه اخیر کشور هند به عنوان یکی از اقتصادهای بزرگ جهان، گام‌های بزرگی در رشد و توسعه حوزه‌های اقتصادی- اجتماعی طی کرده است؛ به‌گونه‌ای که برای سال‌های آتی این کشور روند روبه‌رشدی پیش‌بینی کرده‌اند. رشد اقتصادی کشور هند بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ پس از اصلاحات آینده‌نگرانه سال ۱۹۹۱، به رشدی ۶/۷ درصدی رسید. کشور هند در بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ به طور متوسط به میزان رشد ۸ درصدی به صورت سالانه رسید. هند در کنار این رشدهای چشمگیر در دوره‌های پس از اصلاحات آینده‌نگرانه‌ای که در سال ۱۹۹۱ انجام دادند تجربه موفقی را در توسعه اقتصادی و تحول از اقتصاد منبع بنیاد به اقتصاد دانش‌بنیان (اقتصاد اطلاعات بنیان) داشته است.

- **تغییر سیستم آموزشی**

در سال ۲۰۰۱ برنامه ملی برای آموزش ابتدایی همه‌گیر یا فراگیر تدوین شد و به دنبال این تغییر در سال ۲۰۰۲ اصلاحات اساسی در آموزش این کشور صورت گرفت. هند در کنار اهمیت دادن به آموزش‌های اولیه برای همه، توجه ویژه‌ای به آموزش عالی و آموزش نیروهای کارآزموده کرده است. به طور کلی می‌توان گفت که سیستم آموزشی هند از سطح پایه تا سطح دانشگاه، بر اساس

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

خلق خلاقیت، گسترش یادگیری مادام‌العمر و افزایش نقش دانش در تمام امر زندگی حرکت کرده است.

- **سیستم نوآوری نظام در هند**

سیستم نوآوری در هند به سمت گسترش شیوه‌های مدرن و کارکردهای کارا میان شمار زیادی از استفاده‌کنندگان متمرکز شده است. این سیستم در هر دو زمینه دانش خارجی و داخلی به کار گرفته می‌شود. کشور هند بر روی تقویت نوآوری و انجام تلاش‌های گسترده به منظور افزایش بهره‌وری بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات تمرکز کرده است که باعث شده قدم‌های استواری را در تقویت زیرساخت‌های تحقیق و توسعه، توسعه نوآوری‌های فناورانه و اصلاح افکار جمعی هندی‌ها به سمت خلق بهتر و استفاده بهتر از دانش برداشته شود. در این کشور علاوه بر نگرش درونی در زمینه هزینه‌های تحقیق و توسعه، نگاهی جهانی به این حوزه صورت گرفته است؛ به‌گونه‌ای که حدود صد شرکت چندملیتی مراکز تحقیق و توسعه خود را در این کشور تأسیس کرده‌اند که این امر موجب تعمیق فناوری و قابلیت‌های نوآوری میان شرکت‌های هندی شده است (عظیمی و برخورداری، ۱۳۸۹).

- **سیاست‌های حمایتی دولت هند**

دولت کشور هند علاوه بر سیاست‌هایی که در بخش‌های آموزشی و نوآوری داشته است با آگاهی بیشتری به حمایت از صنایع فناوری اطلاعات و خدمات نرم‌افزاری می‌پردازد. سیاست‌گذاران هندی آگاهی عمیقی از چالش‌ها و فرصت‌هایی که این کشور در این حوزه دارد پیدا کرده‌اند.

پیشرفت عمده صنعت فناوری اطلاعات در هند، نقش مهمی در صادرات محصولات با فناوری پیشرفته داشته است. میزان درآمد صنایع نرم‌افزاری و خدماتی کشور هند در دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۴ به سطح ۲۰/۵ میلیارد دلار رسید که تنها ۴/۲ میلیارد دلار آن از بازارهای داخلی بوده است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

۳-٦-۲. چین

در اواسط دهه ۱۹۹۰ سیاست توسعه چین به سمت علم و فناوری و آموزش سوق داده می‌شود و به همین دلیل سرمایه‌گذاری عمده‌ای در زمینه ساختار اطلاعاتی در این کشور انجام شده است.

- **فناوری در خدمت یادگیری ملی**

به‌کارگیری اطلاعات گسترده موجب تغییرات اساسی در سیستم آموزش چین شده است؛ به‌گونه‌ای که اکثر خدمات آموزشی در این کشور بر مبنای فناوری‌های جدید و کارا صورت می‌گیرد.

- **زیربنای سیستم اطلاعات و ارتباطات**

بیشتر سیاست‌گذاران چینی توانایی این کشور برای رسیدن به اقتصادی دانش‌بنیاد را در داشتن ساختار اطلاعاتی و پویا و شبکه‌های ارتباطی و دستگاه‌های راهبردی وابسته می‌دانند که امکان دسترسی گسترده به اطلاعات و ارتباطات را فراهم کنند. در این راستا، دولت چین متعهد واقعی برای ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی و خلق ارتباطات برای همه شهروندان بوده است. دولت چین برای توسعه بخشی اطلاعات این کشور نقشه راه ۱۵ ساله‌ای را تدوین کرده است.

٤. شرایط و عملکرد فعلی اقتصاد ایران

در این قسمت از تحقیق به بررسی شرایط و عملکرد فعلی اقتصاد ایران پرداخته شده است. سپس در جمع‌بندی بر اساس هر یک از مؤلفه‌ها و تجارب کشورهای مختلف که در این تحقیق به تفکیک بررسی شده‌اند، پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد اقتصادی و مقاوم‌سازی اقتصاد کشور ایران بیان شده است.

اقتصاد ایران از سال ۱۳۸۹ در معرض دور جدیدی از شوک‌های تحریمی برون‌زا، آگاهانه و هوشمند به نام تحریم قرار گرفته است؛ بر مبنای استدلال منطقی و بر اساس اظهارات مقامات تحریم‌کننده و همچنین اقتصاددانان داخلی، عمدتاً نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ایران تحت هجمه تحریم‌ها قرار گرفته است؛ طبق این استدلال و بر اساس حقایق آشکارشده، مقاوم‌سازی اقتصاد

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

ایران و رفع آسیب‌پذیری‌ها در مقام نظر، آسان‌تر شده و در این میان، داشتن عزم و اراده جدی شرط لازم و کافی است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

٤-١. شناسایی مهم‌ترین تهدیدها یا مجاری آسیب‌پذیری فعلی اقتصاد ایران

طبق تعریفی که ابتدا از اقتصاد مقاومتی ارائه شد، لازم است تهدید و مخاطراتی را که اقتصاد کشور در حال حاضر با آن‌ها مواجه است یا اینکه احتمالاً در آینده با آن مواجه می‌شود را شناسایی کنیم؛ بنابراین تلاش خواهیم کرد که مجاری آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را کنکاش کرده و در ادامه راهکارهای مقاوم‌سازی ارائه شوند. اکنون به مهم‌ترین تهدیدها و مجاری آسیب‌پذیری خواهیم پرداخت:

٤-١-١. وابستگی بودجه دولت و نیازهای ارزی کشور به درآمدهای نفتی

بنیادی‌ترین عامل ضعف‌های ساختاری و به تبع آسیب‌پذیری اقتصاد ایران وابستگی دولت و تراز ارزی کشور به فروش نفت است؛ همین عامل است که باعث بهره‌وری پایین، اشتغال غیرمولد و دولتی، رواج و گسترش واردات کالاهای مصرفی و به تبع تضعیف تولید داخلی، رواج توزیع رانت و شیوع فساد، وابستگی بازار ارز داخلی به دلارهای نفتی و آسیب‌پذیری این حوزه به تبع شوک‌های خارجی در اقتصاد ایران شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

- **بررسی روند منابع حاصل از فروش نفت و فراورده‌های نفتی در بودجه سال ۱۳۹۹**

نحوه ورود منابع حاصل از نفت در چهار دهه اخیر در کشور به‌گونه‌ای است که قیمت نفت، قیمت ارز و حتی مقدار صادرات نفت را به عواملی اثرگذار در تنظیم بودجه کشور تبدیل کرده است در حالی که متغیری مانند قیمت نفت، یک متغیر برون‌زا بوده و خارج از اراده کشور تعیین می‌شود. این موضوع نشان‌دهنده لزوم اصلاح نحوه ارتباط منابع حاصل از نفت و بودجه در کشور است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

جدول ۱. جمع استفاده از منابع نفت در بودجه در مقایسه با کل منابع بودجه عمومی در سال‌های مختلف
(اعداد به میلیارد ریال)

عنوان	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
جمع استفاده از منابع در بودجه	۲۶۰۱۸	۲۳۱۷۸/۳۳	۴۴۵۶۰/۶	۷۳۳۶۴/۰۵	۸۴۵۷۷/۴	۱۵۸۸۱۴/۱	۱۷۹۵۸۲/۹	۲۱۸۳۹۰/۹	۳۲۲۶۹۳/۸
منابع بودجه عمومی	۶۵۷۲۶/۶	۶۵۳۶۹/۴۳	۹۴۹۶۲/۱	۱۰۷۸۷۵/۷	۱۴۲۹۰۳/۳	۲۳۴۹۵۹/۳	۳۷۶۸۹۹/۹	۵۰۳۹۳۴/۹	۴۸۷۴۰۸/۸
عنوان	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
جمع استفاده از منابع در بودجه	۴۰۳۱۱۲/۹	۳۹۸۸۳۶/۴	۶۰۳۳۲۶/۲	۵۰۳۵۲۵/۲	۵۲۶۵۳۲/۶	۷۳۴۲۷۴/۶	۴۲۵۵۲۶/۵	۶۳۸۱۹۷/۲	۶۲۸۸۳۷
منابع بودجه عمومی	۵۷۹۵۴۹/۳	۶۴۹۲۶۰/۸	۸۷۴۳۰۹/۱	۸۹۵۳۰۷	۹۴۲۲۶۹/۶	۱۲۹۲۷۳۱	۱۰۶۴۴۲۱	۱۵۰۵۵۷۰	۱۷۷۸۲۴۴

مأخذ: گزارش «بررسی لایحه بودجه کل کشور، منابع بودجه»، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۱۳۸۳.

در جدول (۱) سابقه استفاده از منابع نفت در بودجه را مشاهده می‌کنیم. بررسی دقیق ارقام جدول نشان می‌دهد رقم ریالی منابع نفت در بودجه کشور عموماً صعودی بوده است.

در جدول (۲) جدیدترین آمار درآمدهای نفتی منطبق بر بودجه سال **۱۳۹۹** بررسی شده است؛ همان‌طور که در جدول مشخص است و بر اساس فروض در نظر گرفته شده در لایحه بودجه سال **۱۳۹۹** (صادرات ۱ میلیون بشکه در روز نفت و میعانات، خالص صادرات گاز ۴ میلیاردی دلاری، قیمت ۵۰ دلاری نفت خام و سهم ۳۶ درصدی صندوق توسعه ملی)، درآمد ارزی سهم دولت (با احتساب سهم مناطق نفت‌خیز) حدود ۱۱ میلیارد دلار خواهد بود. به‌علاوه دولت ۱۶ درصد از سهم صندوق را استقراض کرده است (معادل ۳/۵۶ میلیارد دلار). با توجه به سیاست‌های حمایتی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

اعلامی، ۱۰/۵ میلیارد دلار آن با نرخ ۴۲۰۰ تومانی واگذار خواهد شد و مابقی نیز با نرخ ۸۵۰۰ تومانی واگذار می‌شود. مجموع منابع حاصل از این محل ۷۸۸ هزار میلیارد ریال برآورد شده است (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

جدول ۲. درآمدهای حاصل از فروش نفت و سهم دولت، صندوق توسعه ملی و شرکت ملی نفت و گاز (طبق فروض لایحه)، اعداد به میلیون دلار/ هزار میلیارد ریال

عنوان	کل منابع (میلیون دلار)	سهم مناطق نفت‌خیز و کمتر توسعه‌یافته	سهم دولت	استقراض از صندوق توسعه ملی	سهم صندوق توسعه ملی	سهم شرکت ملی نفت یا گاز
صادرات نفت و میعانات	۱۸۲۵۰	۵۴۸	۸۴۸۶	۲۹۲۰	۳۶۵۰	۲۶۴۶
خالص صادرات گاز	۴۰۰۰	۱۲۰	۱۸۶۰	۶۴۰	۸۰۰	۵۸۰
جمع صادرات نفت، میعانات و خالص صادرات گاز (دلار)	۲۲۲۵۰	۶۶۸	۱۰۳۴۶	۳۵۶۰	۴۴۵۰	۳۲۲۶
مجموع نفت، میعانات و خالص صادرات گاز (هزار میلیارد ریال)		۴۸۵		۳۰۳		
مجموع هزار میلیارد ریال		۷۸۸				

مأخذ: گزارش «بررسی لایحه بودجه کل کشور، منابع بودجه»، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۱۳۸۳.

حل مشکل وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مجاری آسیب‌پذیری است که تجربه کشورهای موفق در این مقاله بررسی شد و می‌تواند الگوی مناسبی برای استخراج راهبردها باشد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

٤-۱-۲. ضرورت اصلاح بودجه دولت (منابع درآمدی جدید، نظام مالیاتی و افزایش کارایی مصارف بودجه)

در بخش منابع درآمدی دولت و با رویکرد مقاوم‌سازی آن مواردی از قبیل تغییر نحوه ورود منابع حاصل از صادرات نفت به بودجه و یا حتی خارج کردن ارز نفتی از بودجه، کشف منابع درآمدی جدید و اصلاح نظام مالیاتی مطرح است. در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌ها و مشکلات دولت در تأمین کسری بودجه خود تا حد زیادی نگاه‌ها را به سمت تغییر نحوه ورود منابع حاصل از صادرات نفت به بودجه معطوف کرده است؛ از آنجا که این گزارش در مقام ورود جزئی به مطالب نیست، لذا صرفاً به بیان مسئله می‌پردازد.

٤-۱-۳. نرخ بالای بیکاری و عدم تحقق اقتصاد مردم بنیان

اشتغال (و بیکاری) یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی است که لازم است مورد توجه مسئولان متولی سیاست‌گذاری کشور قرار گیرد. آمارها نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته به صورت میانگین ۲۵/۲ میلیون نفر جمعیت بیکار در کشور وجود داشته و نرخ بیکاری در یک فصل برابر ۱۰/۵ درصد بوده است در مورد جوانان نیز جمعیت بیکار به صورت متوسط در سال‌های گذشته برابر با ۷۶۰/۶ هزار نفر و نرخ بیکاری ۲۵/۷ درصد بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس).

٤-۱-٤. وابستگی به ارزهای خارجی در مبادلات تجاری

از آنجا که پرتفوی بانک مرکزی متشکل از دلار و یورو است، محدودیت‌های وضع‌شده در دسترسی ایران به منابع ارزی حاصل از صادرات نفتی، محدودیت نقل و انتقال ارز، تحریم سوئیفت و ایجاد ممنوعیت در ایجاد ارتباطات مالی و بین‌المللی، تحریم و ایجاد سقف خرید نفت ایران توسط مشتریان خارجی و ایجاد محدودیت در درآمدهای ارزی حاصل از آن، از نیمه دوم سال ۱۳۹۰ به بعد، باعث بروز شوک ارزی به کشور شد و تبعات سنگینی به همراه داشت (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

٤-۱-۵. بالا بودن شدت انرژی و عدم مصرف بهینه انرژی

شدت انرژی شاخصی از ناکارآمدی اقتصاد یک کشور است که به عنوان واحد انرژی برای هر واحد تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود. شدت انرژی در سال ۲۰۱۱ برای کشور ایران به میزان ۳۹۵۲۵ بی تی یو به ازای یک دلار تولید ناخالص داخلی بوده است[۱]. علاوه بر این با وجود تلاش‌های جهانی برای کاهش شدت مصرف انرژی در دهه‌های اخیر شدت انرژی در اقتصاد ایران همواره رو به افزایش بوده است (فرج‌زاده، زکریا، ۱۳۹۴). از این رو، مصرف بالای انرژی در کنار بهره‌وری نسبتاً پایین واحدهای تولید انرژی (به طور خاص نیروگاه‌های برق) یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران تلقی می‌شود. بالا بودن شدت انرژی ضمن اینکه موجب اتلاف منابع، آلودگی محیط زیست و محدود شدن توان تولید واحدهای تولیدی می‌شود و از این اثرات محدودکننده‌ای بر رشد اقتصادی کشور دارد؛ انعطاف پذیری و توان واکنش اقتصاد را در مقابل شوک‌هایی که عرضه منابع انرژی را محدود می‌کنند نیز کاهش می‌دهد.

٤-۲. اقدامات انجام شده در اقتصاد ایران برای بهبود اقتصاد مقاومتی

لازم به ذکر است که اقدامات متعددی در سال‌های اخیر برای بهبود اقتصاد مقاومتی و افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد ایران انجام شده است از آن جمله می‌توان به اقدامات و برنامه‌های دبیرخانه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در حوزه‌های مختلف اشاره کرد. در این راستا تاکنون برنامه‌هایی از جمله برنامه ملی ارتقای بهره‌وری، برنامه ملی پیشبرد برون‌گرایی اقتصاد (توسعه صادرات غیرنفتی)، برنامه ملی ارتقای توان تولید ملی (درون‌زایی اقتصاد)، برنامه ملی برقراری انضباط مالی در بخش عمومی و قطع وابستگی بودجه به نفت، برنامه ملی توسعه ظرفیت تولید نفت و گاز و

۱. بهره‌وری و شدت انرژی در ایران و جهان، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

تکمیل زنجیره پایین‌دستی و توسعه بازار، برنامه ملی توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و برنامه ملی گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی اشاره کرد[۱].

همچنین در طی سال‌های گذشته ستاد دبیرخانه فرماندهی اقتصاد مقاومتی که ذیل معاونت اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه بودجه کشور سازمان‌دهی شده است، با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکرد جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و پیشرو را در قالب ۲۴ بند ابلاغ کرده است (گزارش معاونت اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه کشور).

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی صرفاً برنامه‌ای کوتاه‌مدت است و استراتژی مقابل تحریم نیست و درواقع یک فرآیند و راهبرد کلان است، بنابراین باید در چارچوبی نظام‌مند برای تدوین این راهبرد تلاش کرد. مقاوم‌سازی اقتصاد پدیده‌ای عقلانی است که همواره در کشورهای جهان با ادبیات مختلفی مطرح بوده است. آشنایی با تجربه دیگران زمینه‌ای برای جلوگیری از تکرار اشتباه‌های دیگران و به‌کارگیری روش‌های صحیح با توجه به امکانات کشور را فراهم می‌سازد. با استفاده از تجارب کشورهای مختلف می‌توان الگوی عملیاتی و متناسب با اقتصاد ایران را استخراج کرد و به اقتصادی مقاوم دست یافت که در برابر انواع شوک‌ها مقاومت خواهد کرد.

در این مقاله مؤلفه‌های مستخرج از بیانات مقام معظم رهبری به عنوان مبنای کار قرار گرفت و در این راستا تجربه برخی از کشورها در راستای هر یک از این مؤلفه‌ها بررسی شده است:

- **مردمی کردن اقتصاد و فعال کردن بخش خصوصی:** با بررسی تجربیات کشورهای ژاپن و آلمان در این بخش می‌توان دست آوردهای زیر را برای الگوسازی اقتصاد مقاومتی در ایران مورد توجه قرار داد؛ از جمله کم کردن نقش دولت در تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری و

۱. معاونت اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه کشور.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

شرکت‌ها، حرکت به سمت رقابت بیشتر در بازارهای مختلف، محدود کردن انحصارگران، بهبود نظام بازتوزیع درآمد، سیاست حمایت بر مشاغل کوچک و سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی.

- **حمایت از تولید ملی:** تجربیات سه کشور برزیل، کره جنوبی و مالزی حاکی از آن است که سیاست جایگزینی واردات و حمایت از تولید داخلی در مواردی که صنعت توان رقابت با کشورهای دیگر را در عرصه بین‌المللی پیدا خواهد کند، اصلاح نظام ارزی برای توسعه صادرات و افزایش تولید داخلی، جذب سرمایه‌گذاری در کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، حرکت به سمت استراتژی توسعه صادرات و حرکت از تولید کالاهای کاربر به سمت کالاهای قابل عرضه به بازار جهانی، از جمله مهم‌ترین اقدامات این سه کشور بوده است.
- **مدیریت مصرف:** با توجه به تجربیات کشور انگلستان و سیاست‌هایی که این کشور برای مدیریت صنعت برق خویش انجام داده بود می‌توان اقدامات آن‌ها از جمله استفاده از برنامه‌های تشویقی برای مصرف بهینه، رعایت استانداردسازی و استفاده از تکنولوژی و تجهیزات دانش‌بنیان را مد نظر قرار داد.
- **مدیریت منابع ارزی:** تجربیات کشور مالزی نشان می‌دهد اجرای سیاست‌های ارزی مناسب در توسعه صادرات و مدیریت واردات، ایجاد محدودیت در خارج شدن سرمایه و تنظیم بازارهای مالی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه این کشور باشد.
- **کاهش وابستگی به صنعت نفت:** ایجاد صندوق ملی نفت در نروژ، سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی به جای وارد شدن آن‌ها در بودجه دولتی از جمله درس‌هایی است که از تجربه نروژ می‌توان آموخت.
- **اقتصاد دانش‌بنیان:** سیاست‌ها و اقدامات کشورهای هند و چین در ارتباط با اقتصاد دانش‌بنیان شامل تغییر سیستم‌های آموزشی، ایجاد سیستم‌های نوآوری، استفاده از فناوری و تکنولوژهای برتر، اهمیت دادن و سرمایه‌گذاری روی فعالیت‌های تحقیق و توسعه و ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی می‌شود.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

بررسی و تحلیل درست این سیاست ها در انتخاب الگوی مناسب اقتصاد مقاومتی متناسب با شرایط ایران می‌تواند مسیر پیشرفت اقتصاد را سرعت ببخشد. مسلماً در طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی می‌بایست یک دیدگاه بومی و اسلامی اتخاذ شود که دارای مبانی مشخص و اصول و چارچوب‌های پذیرفته شده از منظر اسلامی- ایرانی باشد. البته در این راه می‌توان از تجربیات کشورهای مخالف در اجرا کمک گرفت. هدف این مقاله رصد برخی از تجربیات رخ داده در این حوزه بود؛ که البته برای پذیرش و جایابی آن‌ها در الگوی اقتصاد مقاومتی انجام پذیرش‌های جدی‌تر ضروری است.

منابع

آجیلی، هادی (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی». *نشریه علوم سیاسی*. دوره ۹. شماره ۲۴. صص ۱۰۵-۸۷.

اسدی، علی (۱۳۹۳). «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی». *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*. دوره ۲. شماره ۵. صص ۳۹-۲۵.

امینی، اشرف (۱۳۸۹). «مدل مالزیای و پیشرفت». *هفته‌نامه پگاه حوزه*. شماره ۲۸۰.

ایمانی‌راد، مرتضی (۱۳۷۶). «مدیریت توسعه در مالزی». *مجله تدبیر*. شماره ۷۹. صص ۸۹-۸۴.

توسلی، محمود (۱۳۷۴). *توسعه اقتصادی ژاپن با تأکید بر آموزش نیروی انسانی*. نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

رحمانی، علی (۱۳۷۸). *آلمان*. تهران: وزارت امور خارجه.

حقیقی، ایمان (۱۳۸۴). *توسعه اقتصادی ژاپن و عوامل کلیدی آن*. تهران: نشر راهبرد یاس.

سالکی، حسین (۱۳۶۶). «توسعه اقتصادی ژاپن و عوامل کلیدی آن». نشریه حسابدار. شماره ۳۵.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

سیف، اله‌مراد؛ مرشدی، بهنام و مجتبی راعی دهقی (۱۳۹۴). *اقتصاد مقاومتی و بانکداری مقاومتی: مفاهیم، تجارب و شاخص‌ها*. نشر دانشگاه عالی دفاع.

سیفلو، سجاد (۱۳۹۳). «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی». *مجله معرفت اقتصادی*. دوره ۵. شماره ۱۰. صص ۱۷۳-۱۵۱.

شیرخانی، محمدعلی؛ براری، اباذر و حسین پوزش شیرلزی (۱۳۸۸). «تئوری نفرین منابع یا نحوه مدیریت منابع نفتی. مطالعه موردی: مقایسه ایران و نروژ». *فصلنامه سیاست*. دوره ۴۰. شماره ۲. صص ۱۳۴-۱۱۵.

شیرزادی، رضا (۱۳۹۰). «دولت و توسعه سیاسی در مالزی». *مجله مطالعات سیاسی*. دوره ۳. شماره ۹. صص ۱۸۰-۱۵۳.

صمدی، هادی (۱۳۶۸). *چگونگی بازسازی اقتصاد آلمان فدرال پس از جنگ جهانی دوم*. تهران: انتشارات دانشگاه. سلسله گزارش‌های تحقیقاتی.

صوفی‌نژاد، مجید (۱۳۸۷). *اهداف و تجربیات بودجه نفت نروژ*. نشر تازه‌های انرژی، شماره ۲.

عباسقلی، رضا (۱۳۸۵). *تحول و توسعه در مالزی*. تهران: دفتر بازرگانی آسیا اقیانوسیه.

عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۳). *اقتصاد مقاومتی درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل*. تهران: نشر بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).

فشاری، مجید و جواد پورغفار (۱۳۹۳). «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران». *مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)*. دوره ۱۴. شماره ۵ و ۶. صص ۴۰-۲۹.

مخبر، محمد (۱۳۹۴). *رهیافتی به توسعه اقتصادی توأم با عدالت*. تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).

ولی‌بیگی، حسن (۱۳۸۸). *بسته سیاستی توسعه صادرات منتخبی از کشورهای موفق (کره جنوبی، مالزی، ترکیه و هند)*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

Dahlman,C.J.,and aanuja UTZ.(2005). Indaia and the knowledge economy: Leveraging stenghs.

Dahlman,C.J and J.E Aubert, (2001). China and the knowledge Economy :Seizing the 21st century .wbi development studies .washangton ,DC.world Bank.

Holanda Barbosa, Fernando de. (1998). "Economic development: The Brazilian experience, Development strategies in East Asia and Latin America-Basingstocke". *Hampshire ISBN*.PP. 60-90

Inter-American Development Bank (2014). Annual Report,IDB press.

Myint, H. (1964). The economics of developing countries, *London: Hutchinson.*PP. 69-87

Rosenstein-Reden.P.N.(1943). *"Problems of industrialization in eastem and south eastem Earop". Economic journal,* No.53. PP. 202-214

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107] [Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.52547/qjfep.8.30.107]